

پرسش ۶۴۲: نظر شما در مورد صحابه و ازدواج موقت و عزای امام حسین (ع) چیست؟

السؤال / ۶۴۲:

۱- ما قولكم في الصحابة الذين رضي الله عنهم وانتقل الرسول صلى الله عليه وسلم إلى الرفيق الأعلى وهو راض عنهم (أبو بكر وعمر وعثمان وعلي رضي الله عنهم)؟

پرسش ۶۴۲:

۱- نظر شما درباره‌ی این صحابه «ابوبکر، عمر، عثمان و علی (ع)» چیست؟ کسانی که خداوند از آن‌ها راضی گشت و پیامبر در حالی به رفیق اعلی منتقل شد که از آن‌ها راضی بود.

۲- ما حکم المتعة التي اتخذتها الشيعة ذريعة للتوصل إلى انتهاك أعراض الناس؟

۲- حکم متعه که شیعه آن را دستاویزی برای دریدن پرده‌ی ناموس مردم قراردادده‌اند، چیست؟

۳- ما حکم إسالة الدماء في عاشوراء وفي الشريعة الإسلامية، معلوم أن الحزن

غير مرغوب فيه؟

۳- حکم خون ریختن در عاشورا و در شریعت اسلامی چیست؟ با توجه به این که

واضح است که این نوع حزن پسندیده نیست.

۴- سيدنا الحسن وسيدنا الحسين إخوان ولدا علي رضي الله عنه وابنا فاطمة

الزهراء رضي الله عنها، ولكل منهما موقف عظيم، سيدنا الحسن وخذ الله به الأمة الإسلامية وجمع الله به جماعة المسلمين وأصلح بين فئتيهم، وسيدنا الحسين رضي

الله عنه موقفه كذلك عظيم ومعروف، فلماذا تتجدد الأحزان لموقفه وينسى أمر سيدنا الحسن وهو أراه أولى بالاحتفال به رضي الله عنه؟

۴- سيد ما حسن و سيد ما حسين (ع)، هر دو برادر و فرزندان علی (ع) و پسران فاطمه ی زهرا (ع) هستند و هریک از این دو موضع گیری سترگی دارند. خداوند به وسیله ی سيد ما حسن (ع) امت اسلامی را وحدت بخشید و خدا با او جماعت مسلمین را گرد آورد و بین جماعات آن ها آشتی برقرار کرد. موضع گیری سيد ما حسين (ع) نیز عظیم و شایسته است ولی چرا برای موضع گیری او، مرتب حزن و اندوه می شود و امر سيد ما حسن (ع) فراموش می گردد؟ و حال آن که به نظر من این کار وی شایسته ی برپایی جشن و شادمانی است.

۵- لماذا لا تكون وصيتك للشيعة أن يتوحدوا في صلاة في مسجد واحد المسلمون
كلهم سنة وشيعة؟
المرسل: صقر البراري

۵- چرا به شیعیان سفارش نمی کنی که در نماز در مسجد مسلمانان که همگی سنی و شیعه هستند یک پارچه حضور یابند؟

فرستنده: صقر البراری

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم .. الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآله الأئمة والمهدين وسلم تسليماً كثيراً.

۱- الصحابة المرضي عنهم والموصوفون بالإيمان نترضى عليهم، ولكن علينا أن نحقق في كل صحابي هل هو ممن رضي الله عنهم ومن المؤمنين، ولعل أحاديث الحوض التي رواها البخاري وغيره سبباً كافياً لجعلنا نقلق من هذه الجهة، وإليك بعضها:

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الاثمة و المهديين و سلم تسليماً كثيراً.

۱- آن دسته از صحابی مرضی عنه که به ایمان موصوفاند، مورد تایید ما نیز هستند ولی ما باید در مورد تک تک اصحاب تحقیق کنیم و ببینیم آیا او از جمله کسانی است که خدا و مؤمنین از او راضی و خوشنودند. شاید احادیث حوض که بخاری و دیگران روایت کرده‌اند، دلیلی کافی بر این باشد که ما در این خصوص نگران باشیم. برخی از آن‌ها را به شما ارائه می‌کنم:

ورد في صحيح البخاري - البخاري ۱۴۰۱ - ۱۹۸۱م دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع - طبعة بالأوفست عن طبعة دار الطباعة العامرة بإستانبول ج ۵ ص ۱۹۱ - ۱۹۲:

(باب/ و كنت عليهم شهيداً ما دمت فيهم فلما توفيتني كنت أنت الرقيب عليهم وأنت على كل شيء شهيد: حدثنا أبو الوليد، حدثنا شعبة، أخبرنا المغيرة بن النعمان، قال: سمعت سعيد بن جبیر، عن ابن عباس رضي الله تعالى عنهما، قال: خطب رسول الله صلى الله عليه وسلم فقال: يا أيها الناس، إنكم محشورون إلى الله حفاة عراة غرلاً، ثم قال: كما بدأنا أول خلق نعيده وعداً علينا إنا كنا فاعلين، إلى آخر الآية، ثم قال: ألا وأنّ أول الخلائق يكسى يوم القيامة إبراهيم، ألا وأنه يجاء برجال من أمتي فيؤخذ بهم ذات الشمال فأقول يا رب أصحابي فيقال إنك لا تدري ما أحدثوا بعدك، فأقول كما قال العبد الصالح و كنت عليهم شهيداً ما دمت فيهم فلما توفيتني كنت أنت الرقيب عليهم، فيقال: إن هؤلاء لم يزالوا مرتدين على أعقابهم منذ فارقتهم).

در صحيح بخاری (بخاری ۱۴۰۱ / ۱۹۸۱ م، انتشارات دار الفكر چاپ استانبول جلد ۵ صفحه ۱۹۱ و ۱۹۲) آمده است:

باب: (و کنت علیهم شهیدا ما دمت فیهم فلما توفیتی کنت انت الرقیب علیهم و انت علی کل شیء شهید): پیامبر خدا(ص) خطبه‌ای خواند و فرمود: «ای مردم، همانا شما پابره‌نه و عریان و ختنه‌نشدۀ در قیامت در پیشگاه خدا حاضر می‌شوید. سپس فرمود (این آیه را تلاوت نمود): «(و چنان که نخستین بار بیافریدیم، آفرینش از سرگیریم. این وعده‌ای است که برآوردنش بر عهده‌ی ما است و ما چنان خواهیم کرد) ... تا آخر آیه».. سپس فرمود: «نخستین کسی که روز قیامت پوشانده می‌شود ابراهیم(ع) است. بدانید به زودی مردانی از امتم آورده می‌شوند که آن‌ها را به طرف جهنم می‌برند. من می‌گویم خدایا اصحابم. در جوابم گفته می‌شود: تو نمی‌دانی آنان بعد از تو چه بدعت‌هایی ایجاد کردند. در این هنگام من سخنی را می‌گویم که بنده‌ی صالح خدا (عیسی(ع)) گفت: «(و من تا در میانشان بودم نگهبان عقیده‌شان بودم و چون مرا میرانیدی تو خود نگهبان عقیده‌شان گشتی)».. و خطاب می‌شود: آن‌ها بعد از تو همواره به اعقاب خود یعنی زمان جاهلی برمی‌گشتند.

وفي صحيح البخاري ج ٥ ص ١٩٢: (باب/ قوله إن تعذبهم فإنهم عبادك وإن تغفر لهم فإنك أنت العزيز الحكيم: حدثنا محمد بن كثير، حدثنا سفيان، حدثنا المغيرة ابن النعمان، قال: حدثني سعيد بن جبیر، عن ابن عباس، عن النبي صلى الله عليه وسلم، قال: إنكم محشورون، وإن ناساً يؤخذ بهم ذات الشمال فأقول كما قال العبد الصالح وكنت عليهم شهيداً ما دمت فيهم إلى قوله العزيز الحكيم).

در صحیح بخاری ج ۵ ص ۱۹۲ آمده است: باب: آیه «إن تعذبهم فإنهم عبادك و إن تغفر لهم فإنك أنت العزيز الحكيم»: پیامبر(ص) فرمود: «شما محشور می‌شوید و عده‌ای را به طرف شمال (یعنی جهنم) می‌برند. من سخنی را می‌گویم که بنده‌ی صالح خدا (عیسی(ع)) گفت: و کنت علیهم...».

وفي صحيح البخاري - البخاري ج ٥ ص ٢٤٠: (باب/ كما بدأنا أول خلق نعيده وعداً علينا: حدثنا سليمان بن حرب، حدثنا شعبة، عن المغيرة بن النعمان شيخ من النخع، عن سعيد بن جبير، عن ابن عباس رضي الله عنهما، قال: خطب النبي صلى الله عليه وسلم فقال: إنكم محشورون إلى الله حفاة عراة غرلاً كما بدأنا أول خلق نعيده وعداً علينا إنا كنا فاعلين، ثم إن أول من يكسى يوم القيامة إبراهيم، ألا أنه يجاء برجال من أمتي فيؤخذ بهم ذات الشمال، فأقول: يا رب، أصحابي، فيقال: لا تدري ما أحدثوا بعدك، فأقول كما قال العبد الصالح: وكنت عليهم شهيداً ما دمت إلى قوله شهيد، فيقال: إن هؤلاء لم يزالوا مرتدين على أعقابهم منذ فارقتهم).

در صحيح بخاری ج ٥ ص ٢٤٠ آمده است: باب: «کما بدأنا اول خلق نعيده وعداً علينا»: پیامبر (ص) خطبه ای خواند و فرمود: «همانا شما پابرهنه و عریان و ختنه نشده در قیامت در پیشگاه خدا حاضر می شوید. سپس فرمود (این آیه را تلاوت نمود): «و چنان که نخستین بار بیافریدیم، آفرینش از سرگیریم. این وعده ای است که بر آوردنش بر عهده ای ما است و ما چنان خواهیم کرد... تا آخر آیه».. سپس فرمود: «نخستین کسی که روز قیامت پوشانده می شود ابراهیم (ع) است. بدانید به زودی مردانی از امتم آورده می شوند که آن هارا به طرف جهنم می برند. من می گویم خدایا اصحابم. در جوابم گفته می شود: تو نمی دانی آنان بعد از تو چه بدعت هایی ایجاد کردند. در این هنگام من سخنی را می گویم که بنده ای صالح خدا (عیسی (ع)) گفت: «و من تا در میانشان بودم نگهبان عقیده شان بودم و چون مرا میرانیدی تو خود نگهبان عقیده شان گشتی)». و خطاب می شود: آن ها بعد از تو همواره به اعقاب خود یعنی زمان جاهلی بر می گشتند».

وفي صحيح البخاري - البخاري ج ٧ ص ٢٠٦: (باب/ في الحوض وقول الله تعالى إنا أعطيناك الكوثر: وقال عبد الله بن زيد: قال النبي صلى الله عليه وسلم: اصبروا حتى تلقوني على الحوض.

حدثنا يحيى بن حماد، حدثنا أبو عوانة، عن سليمان، عن شقيق، عن عبد الله، عن النبي صلى الله عليه وسلم: أنا فرطكم على الحوض.

وحدثني عمرو بن علي، حدثنا محمد بن جعفر، حدثنا شعبة، عن المغيرة، قال: سمعت أبا وائل، عن عبد الله رضي الله عنه، عن النبي صلى الله عليه وسلم، قال: أنا فرطكم على الحوض، وليرفعن رجال منكم ثم ليختلجن دوني فأقول يا رب أصحابي فيقال إنك لا تدري ما أحدثوا بعدك).

و در صحیح بخاری ج ۷ ص ۲۰۶ آمده است: باب: درباره‌ی حوض و آیه‌ی: «انا اعطيناك الكوثر»:

پیامبر(ص) فرمود: «صبر پیشه کنید تا مرا در کنار حوض ملاقات کنید. من پیشاپیش شما در حوض هستم.

من پیشاپیش شما در حوض هستم و بخشی از شمارا از من جدا می‌کند و من می‌گویم: خدایا اینها صحابه‌ی من هستند. جواب می‌آید: تو نمی‌دانی که این‌ها بعد از تو چه بدعت‌هایی گذاشتند».

۲- حاولوا أن تنصفوا أنفسكم وتساءلوا عن الدليل، فالمتعة شرع الله تعالى وقد نزل فيها قرآن ولم يمنعها رسول الله(ص)، حتى قال فيها عمر برأيه وليس عمر رسولا ولا حجة من حجج الله، وهاك اقرأ ما في كتبك فلعلك غافل:

۲- بکوشید که خودتان انصاف به‌خرج دهید و از دلیل، پرسش کنید. متعه را خدای متعال تشریح فرمود و در تایید آن قرآن نازل نمود و رسول خدا(ص) از آن بازداشت تا آن‌گاه که عمر به‌رای خودش درباره‌ی آن اظهار نظر کرد؛ عمر نه پیامبر(ص) است و نه حجتی از حجج الهی. بیا آن‌چه را که در کتاب‌های شما است بگیر که چه‌بسا شما در غفلت به‌سر می‌بری.

ورد في البخاري، عن عمران بن الحصين أنه قال: (نزلت آية المتعة في كتاب الله ففعلناها مع رسول الله صلى الله عليه وسلم ولم ينزل قرآن يحرمه ولم ينه عنها حتى مات، قال رجل برأيه ما شاء، قال محمد (أي البخاري): يقال عمر رضي الله عنه)^[208]. هذا ما أخرجه البخاري في صحيحه، وهو أصح الكتب بعد القرآن بإجماع من يعتد به من علماء أهل السنة، فقد نصّ بصريح العبارة التي لا تقبل التأويل على إباحة المتعة واستمرار هذه الإباحة إلى يوم القيامة، كما أنّ هذا الحديث نصّ على عدم نزول قرآن يحرّمها، وأنه نصّ في عدم نهي النبي (ص) عنها حتى التحق بالرفيق الأعلى، كما أنه صريح أيضاً في أنّ المحرم لها هو الخليفة عمر بن الخطاب.

در بخاری از عمران بن حصین نقل شده است: «آیهی متعه در کتاب خدا نازل شد و ما همواره با رسول الله (ص) به آن عمل می کردیم و قرآن در حرمت آن نازل نشد و رسول خدا (ص) از آن نهی ننمود تا این که وفات یافت. مردی به آن چه که دل خواهش بود نظر داد. محمد (یعنی بخاری) می گوید: گفته می شود عمر بوده است»^[209]. این روایتی است که بخاری در صحیح خود نقل کرده است و به اجماع گروه قابل اعتنایی از علمای اهل سنت، صحیح بخاری درست ترین کتاب ها پس از قرآن است. در این کتاب با عبارتی کاملاً روشن که تأویل بردار نیست، از مجاز بودن متعه و استمرار آن تا روز قیامت سخن گفته است؛ کما این که حدیث مزبور بر عدم نزول قرآن در حرمت آن صراحت دارد و نیز تأکید دارد بر این که پیامبر (ص) تا زمانی که به رفیق اعلی پیوست، از آن نهی نفرمود؛ و نیز صراحت دارد بر این که حرام کننده ی آن، خلیفه عمر بن خطاب بوده است.

وأما إمام الحديث عند أهل السنة الإمام مسلم، فقد أخرج في صحيحه في باب نكاح المتعة عن إسماعيل، عن قيس، قال: (سمعت عبد الله يقول: كنا نغزو مع رسول الله صلى الله عليه وسلم ليس لنا نساء، فقلنا ألا

نستخصي؟ فنهانا عن ذلك، ثم رخص لنا أن ننكح المرأة بالثوب إلى أجل، ثم قرأ عبد الله: "يا أيها الذين آمنوا لا تحرموا طيبات ما أحل الله لكم ولا تعتدوا إن الله لا يحب المعتدين" ([210]).

امام حدیث نزد اهل سنت، امام مسلم نیز در صحیح خود در باب نکاح متعه این روایت را آورده است: «با پیامبر خدا(ص) در غزوه‌ای شرکت داشتیم و زنان با ما نبودند. عرض کردیم ای رسول خدا آیا خود را اخته کنیم؟ پیامبر ما را از این کار منع فرمود و به ما اجازه داد تا با مهریه قرار دادن لباسی، ازدواج موقت کنیم. آن‌گاه عبدالله این آیه را قرائت کرد: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چیزهای پاکیزه‌ای را که خدا بر شما حلال کرده است حرام نکنید و از حد مگذرید که خدا تجاوزکنندگان را دوست ندارد» ([211]).

وفي رواية أخرى كما في صحيح مسلم أيضاً عن أبي نضرة، قال: كنت عند جابر بن عبد الله، فأتاه آت فقال: ابن عباس وابن الزبير اختلفا في المتعتين، فقال جابر: فعناهما مع رسول الله صلى الله عليه وسلم ثم نهانا عمر فلم نعد لهما) ([212]).

در روایتی دیگر در صحیح مسلم از ابی نضره که گفت: «... نزد جابر بن عبدالله بودم. کسی آمد و گفت: ابن عباس و ابن زبیر در دو متعه با هم اختلاف کرده‌اند. جابر گفت: با رسول خدا(ص) هر دو را به‌جا آوردیم سپس عمر آن دو را نهی کرد و ما هم دیگر پس از آن به‌جا نیاوردیم» ([213]).

وأخرج الإمام مسلم أيضاً: (... كان ابن عباس يأمر بالمتعة، وكان ابن الزبير ينهي عنها، قال: فذكر ذلك لجابر بن عبد الله، فقال: على يدي دار الحديث، تمتعنا مع رسول الله صلى الله عليه وسلم فلما قام عمر قال: إن الله كان يحل لرسوله ما شاء بما شاء، وإن القرآن قد نزل منازل فأتوا

**الحج والعمرة لله كما أمركم الله، وأبتوا [214] نكاح هذه النساء، فإن أوتي
برجل نكح امرأة إلى أجل إلا رجمته بالحجارة [215].**

همچنین امام مسلم می گوید: «.... ابن عباس متعها حلال می دانست و ابن زبیر از آن نهی می کرد. نزد جابر بن عبدالله رفتیم و مساله را جویا شدم. جابر گفت جریان حدیث در دست من است. ما در عهد رسول خدا(ص) متعه می کردیم اما چون وقت خلافت عمر فرارسید عمر گفت: خداوند آن چه را خواست بر رسولش حلال کرد و قرآن نیز جای خود را دارد. حج و عمره را آن گونه که خدا دستور داده است انجام دهید و ازدواج با این زنان را قطعی کنید. اگر مردی را نزد من بیاورند که زنی را ازدواج موقت کرده باشد، او را سنگسار می کنم» [216].

فاتقوا الله ولا تتكلموا بدين الله بغير علم.

تقوای الهی پیشه کنید و بدون علم در دین خدا سخن مگویید.

**۳- عاشوراء تُذَكِّرُ الْمُؤْمِنِينَ بِدِينِ اللَّهِ وَحَاكِمِيَةِ اللَّهِ تَعَالَى الَّتِي تَطَاوَلُ
عَلَيْهَا مِنْ تَطَاوَلٍ بَغَيْرِ وَجْهِ حَقِّ.**

۳- عاشورا دین خدا و حاکمیت خدای متعال را که برخی بدون این که حق داشته باشند، به آن تاختند و به آن تعرض نمودند، برای مؤمنین یادآوری می کند.

**۴- عزاء الحسين هو عزاء الحسن وعلي ورسول الله، بل كل الأنبياء
والمرسلين؛ لأن هدفه التذكير بدين الله ومظلومية خلفاء الله.**

۴- عزاداری برای حسین (ع) همان عزاداری برای حسن و علی (ع) و رسول الله (ص)، و بلکه عزاداری برای تمام پیامبران و مرسلین (ع) است، زیرا هدف آن یادآوری دین خدا و مظلومیت خلفای الهی است.

۵- هدف الإمام هو جمع الإنسانية برمتها على دين التوحيد الخالص.

اللجنة
العلمية/ أنصار
الإمام المهدي

أبو محمد الأنصاري - ١٥ / شوال / ١٤٣١ هـ ق

۵- هدف امام، گردآوردن انسانیت با همه‌ی ابعاد وجودی آن گرد دین توحید خالصانه است.

هیأت علمی انصار
امام مهدی (ع)

ابومحمد انصاری - ١٥ / شوال / ١٤٣١ هـ ق



[208] - صحيح البخاري، باب قوله تعالى: (وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ) - من كتاب التفسير من جزئه الثالث ص 71.

[209] - صحيح بخارى: باب قوله تعالى «وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» - از کتاب تفسیر از جزء سوم صفحه 71.

[210] - صحيح مسلم: ج 4 ص 130.

[211] - صحيح مسلم: ج 4 ص 130.

[212] - صحيح مسلم: ج 4 ص 59.

[213] - صحيح مسلم: ج 4 ص 59.

[214] - هكذا وردت في المصدر.

[\[215\]](#) - صحيح مسلم: ج 4 ص 38.

[\[216\]](#) - صحيح مسلم: ج 4 ص 38.